



مرکز تحقیقات اسلامی

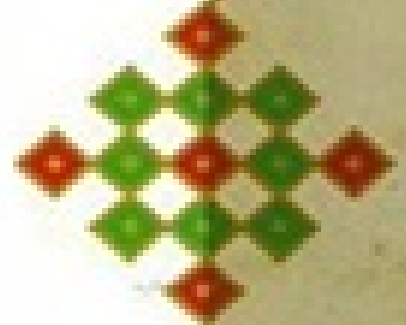
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



حسینی حدیث سیداری

حکیم

«پیرامون امر به معروف و نهی از منکر»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چلچراغ حسینی حدیث بیداری (پیرامون امر به معروف و نهی از منکر)

نویسنده:

محمد عابدی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	چلچراغ حسینی حدیث بیداری (پیرامون امر به معروف و نهی از منکر)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست
۱۹	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۹	اصل هشتم
۲۰	از کلام روح الله
۲۲	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آیینه مطهر
۲۲	معنای معروف و منکر
۲۲	یک نمونه از گستره امر به معروف و ...
۲۳	مراحل امر به معروف و نهی از منکر
۲۴	اقسام مستقیم و غیرمستقیم
۲۵	۱. امر به معروف و نهی از منکر از نگاه امام حسین علیه السلام
۲۵	اشاره
۲۷	۱. دوست داشتن معروف، بیزاری از منکر
۲۷	اشاره
۲۷	بر ساحل حدیث
۲۹	۲. نهی از بدی، ملاک دوستی
۲۹	اشاره
۳۰	بر ساحل حدیث
۳۱	۳. ارزش احیاگری دینی
۳۱	اشاره
۳۲	بر ساحل حدیث

- ۳۴ ۴. ترس از خدا
- ۳۴ اشاره
- ۳۵ بر ساحل حدیث
- ۳۶ ۱۵. احساس مسئولیت همگانی
- ۳۶ اشاره
- ۳۶ بر ساحل حدیث
- ۳۹ ۶. عقل اولیا؛ مجرای امر و نهی خدا
- ۳۹ اشاره
- ۴۰ بر ساحل حدیث
- ۴۲ ۱۷. اصلاحگری
- ۴۲ اشاره
- ۴۳ بر ساحل حدیث
- ۴۵ ۸. هدایت
- ۴۶ ۹. برپایی فرایض در سایه دو اصل
- ۴۶ اشاره
- ۴۷ بر ساحل حدیث
- ۴۹ ۱۰. نظام امامت، مسئول نهی از منکر
- ۴۹ اشاره
- ۵۰ بر ساحل حدیث
- ۵۱ ۱۱. عالمان، برگزیدگان خدا برای امر و نهی
- ۵۱ اشاره
- ۵۲ بر ساحل حدیث
- ۵۵ ۱۲. ترس و طمع
- ۵۵ اشاره
- ۵۶ بر ساحل حدیث
- ۵۹ ۱۳. بی معنا شدن زندگی

- ۵۹ اشاره
- ۶۰ بر ساحل حدیث
- ۶۱ ۴. همسانی با گناهکار
- ۶۱ اشاره
- ۶۲ بر ساحل حدیث
- ۶۴ ۱۵. نخبگان و غفلت از وظیفه
- ۶۴ اشاره
- ۶۵ بر ساحل حدیث
- ۶۷ ۱۶. ستّ الهی: لعن تارکان نهی از منکر
- ۶۷ اشاره
- ۶۸ بر ساحل حدیث
- ۶۹ ۱۷. خواری عزیزان
- ۶۹ اشاره
- ۷۱ بر ساحل حدیث
- ۷۲ ۱۸. مرز امر و نهی پذیری
- ۷۲ اشاره
- ۷۳ بر ساحل حدیث
- ۷۵ ۱۹. عامل تأثیرناپذیری
- ۷۵ اشاره
- ۷۵ بر ساحل حدیث
- ۷۸ ۲۰. اثر امرناپذیری
- ۷۸ اشاره
- ۷۹ بر ساحل حدیث
- ۸۱ ۲. نمونه هایی از گفتار و کردار امام حسین علیه السلام
- ۸۱ اشاره
- ۸۲ ۲۱. ابراز نفرت قلبی

- ۸۲ اشاره
- ۸۳ بر ساحل حدیث
- ۸۵ ۲۲. اعتراض مستدل و هشدار کتبی
- ۸۵ اشاره
- ۸۶ بر ساحل حدیث
- ۸۷ ۲۳. نهی با بیان دلیل
- ۸۷ اشاره
- ۸۸ بر ساحل حدیث
- ۹۰ ۲۴. توجه به عامل درونی
- ۹۰ اشاره
- ۹۱ بر ساحل حدیث
- ۹۳ ۲۵. ارائه جایگزین
- ۹۴ ۲۶. شناساندن اثر گناه
- ۹۴ اشاره
- ۹۵ بر ساحل حدیث
- ۹۷ ۲۷. ایجاد تقابل بین فرد و وجدان
- ۹۹ ۲۸. نهی صریح
- ۱۰۰ ۲۹. رعایت حق مردم
- ۱۰۰ اشاره
- ۱۰۰ بر ساحل حدیث
- ۱۰۳ ۳۰. رأفت؛ خشکاندن ریشه گناه
- ۱۰۳ اشاره
- ۱۰۴ بر ساحل حدیث
- ۱۰۶ ۳۱. افشاگری
- ۱۰۶ اشاره
- ۱۰۷ بر ساحل حدیث

۱۰۹	۳۲. تهدید
۱۰۹	اشاره
۱۱۰	بر ساحل حدیث
۱۱۱	۳۳. وظیفه حمایت
۱۱۱	اشاره
۱۱۱	بر ساحل حدیث
۱۱۳	۳۴. همراهی آمران و ناهیان
۱۱۳	اشاره
۱۱۴	بر ساحل حدیث
۱۱۵	۳۵. اعتراض به قتل آمران و ناهیان
۱۱۶	۳۶. جایگاه مصلحت در ترک دو اصل
۱۱۶	اشاره
۱۱۷	بر ساحل حدیث
۱۱۹	۳۷. موقعیت شناسی برای نهی از منکر
۱۲۰	۳۸. فرصت شناسی
۱۲۰	اشاره
۱۲۱	بر ساحل حدیث
۱۲۳	۳۹. در صحنه نبرد
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	بر ساحل حدیث
۱۲۵	۴۰. نهی از منکر در کودکی
۱۲۵	اشاره
۱۲۵	بر ساحل حدیث
۱۲۷	فهرست منابع
۱۳۱	درباره مرکز

چلچراغ حسینی حدیث بیداری (پیرامون امر به معروف و نهی از منکر)

مشخصات کتاب

چلچراغ حسینی حدیث بیداری

«پیرامون امر به معروف و نهی از منکر»

محمد عابدی میانجی

نام کتاب: حدیث بیداری

مؤلف: محمد عابدی میانجی

ویراستار: اشرف آشوری

ناشر: نورالسجاد

صفحه آرا: مهدی عابدی

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۸۱

چاپخانه: شریعت

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۳۰۰ تومان

رده بندی کنگره: BP۴۱/۴/۸۵ چ ۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: ۱

اشاره

دو اصل در قانون اساسی ... ۸

از کلام روح الله ... ۹

مقدمه (معروف و منکر در آینه مطهر) ... ۱۱

۱. امر به معروف و نهی از منکر از نگاه امام حسین علیه السلام

اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر

دوست داشتن معروف، بیزاری از منکر ... ۱۷

نهی از بدی، ملاک دوستی ... ۱۹

ارزش احیاگری دینی ... ۲۱

مبانی امر به معروف و نهی از منکر

ترس از خدا ... ۲۴

احساس مسئولیت همگانی ... ۲۶

عقل اولیا؛ مجرای امر و نهی الهی ... ۲۹

آثار امر به معروف و نهی از منکر

اصلاحگری ... ۳۲

هدایت ... ۳۵

ص: ۵

برپایی فرایض ... ۳۶

پیش تازان

نظام امامت، مسئول نهی از منکر ... ۳۹

عالمان و نخبگان ... ۴۱

ترک نهی از منکر، موانع، آثار و ...

ترس و طمع ... ۴۴

بی معنا شدن زندگی ... ۴۸

همسانی با گناهکار ... ۵۰

نخبگان و غفلت از وظیفه ... ۵۲

سنت الهی، لعن تارکان ... ۵۵

خواری عزیزان ... ۵۷

شرایط و بایسته ها

مرز امر و نهی پذیری ... ۵۹

عامل نهی ناپذیری ... ۶۱

اثر ناپذیری ... ۶۳

۲. نمونه هایی از گفتار و کردار امام حسین علیه السلام

مرحله قلبی

ابراز نفرت قلبی ... ۶۶

مرحله زبانی و شیوه ها

اعتراض مستدل و هشدار کتبی ... ۶۸

نهی همراه با بیان دلیل ... ۷۰

ص: ۶

توجه به عامل درونی ... ۷۲

ارائه جایگزین ... ۷۵

شناساندن اثر گناه ... ۷۶

ایجاد تقابل بین فرد و وجدان ... ۷۸

مرحله عملی

نهی صریح ... ۸۰

رعایت حق مردم ... ۸۱

رأفت، خشکاندن ریشه گناه ... ۸۳

افشاگری ... ۸۵

تهدید ... ۸۸

در برابر آمران و ناهیان

وظیفه حمایت ... ۹۰

همراهی آمران و ناهیان ... ۹۲

اعتراض به قتل آمران و ناهیان ... ۹۴

ترک امر و نهی

جایگاه مصلحت در ترک امر و نهی ... ۹۵

موقعیت شناسی ... ۹۷

فرصت شناسی ... ۹۸

امر و نهی در عرصه های مختلف

نهی از منکر در صحنه نبرد ... ۱۰۱

نهی از منکر در کودکی ۱۰۳۰۰۰

فهرست منابع ۱۰۴۰۰۰

ص: ۷

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین می کند. «و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

ص: ۸

اگر يك ملتی بخواهد مقاومت کند برای يك حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند، از تاریخ اسلام استفاده کند، ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته و اینکه گذشته سرمشق است از برای ما... حضرت ابی عبدالله علیه السلام نهضت کرد و قیام کرد با

عدد کم در مقابل این، برای اینکه گفتند، تکلیف من این است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم، اگر يك حاکم ظالمی بر مردم مسلط شد، علمای ملت، دانشمندان ملت باید استنکار کنند، باید نهی از منکر کنند، در عین حالی که می دانست، یعنی به حسب قواعد هم معلوم بود... که يك عده کمی که آن وقتی که همراه ایشان همه با هم بودند، می گویند چهارهزار نفر بودند، لکن شب آنها رفتند. يك عده بسیار کم هفتاد، هشتاد نفری... ماندند در عین حال او تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته شود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش. (۱)

ص: ۹

...

...

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آئینه مطهر

حسین علیه السلام شهید راه امر به معروف و نهی از منکر است...

حسین بن علی علیهما السلام در راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقاء اجتماع اسلامی است، کشته شد: در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن است.

معنای معروف و منکر

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟ اسلام از باب اینکه نخواسته موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معین مثل عبادات، معاملات، و... محدود کند، کلمه عام آورده است. معروف یعنی هر کار خیر و نیکی. نقطه مقابلش هر کار زشتی.

نگفت شرک یا فسق یا غیبت یا... بلکه گفت: منکر؛ هر چه که زشت و پلید است.

یک نمونه از گستره امر به معروف و نهی از منکر...

حدود بیست و پنج سال پیش چقدر نام حسین بن علی و

ص: ۱۱

علی بن ابی طالب را آنها که نمی بردند، می بردند! همین که نجات پیدا کردند، گفتند ما بابتک خرم دین داشتیم، الْمُقَنَّع داشتیم، وقتی خطری این ملت را تهدید می کند، بابتک خرم دین کدام جهنم درّه است؟ به جنگ حسین بن علی می آیند،

قهرمان در مقابل او درست می کنند، خجالت نمی کشند، به جای اینکه افتخار کند اسم پسرش را حسین بگذارد، بابتک و مازیار و جمشید و فرشید می گذارد.

به خدا تمام اینها مبارزه با اسلام است، میراندن اسلام است، شعارهای دین را زنده نگهدارید. یکی از شعارهای دین اسمهاست. یک درجه امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم! بر فرزندانان اسمهای اسلامی بگذارید (این امر به معروف است) مبارزه کنید با اسمهای غیر اسلامی (این نهی از منکر است) برای مؤسساتان نام اسلامی بگذارید. نامهای اسلامی را زنده نگهدارید كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ... تا حالا که امر به

معروف و نهی از منکرهای ما در اطراف دگمه لباس و بند کفش مردم بوده است! ما اصلاً معروف چه می شناسیم که چیست؟ منکر چه می شناسیم که چیست؟ (۱)

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله قلبی: خود مراحل دارد. یکی از مراحلش این است که تنفر و انزجار داشته باشد، یعنی باید ریشه ای در روح و قلب و ضمیرش داشته باشد. و در مرحله بعد گفته اند اولین درجه و مرتبه نهی از منکر هجر و اعراض است. این در موردی است

که و عمل شما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد و الا مواردی هم هست که کسی از اینکه شما با او قطع رابطه کنید، استقبال می کند تا آزادتر دنبال کارهای زشت برود، در اینجا قطع رابطه شما با او نه تنها اثر تنبیهی ندارد، بلکه اثر تشویقی نیز دارد.

درجه دوم: مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی چه بسا! آن

ص: ۱۲

بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می شود، به خاطر جهالت و نادانی او است... احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد... که با او تماس بگیرد، با

کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و باز گردد... (اگر) ما می توانیم با منطقی روشنگر او را به ترک آن عمل قانع کنیم بر ما واجب است که با چنین منطقی با آن شخص تماس بگیریم.

مرحله سوم، مرحله عمل است، معنای وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، انسان نباید چنان کند که در همه موارد، سختگیری و خشونت است.

درشتی و نرمی به هم در به است

چه رگزن که جراح و مرهم نه است

اقسام مستقیم و غیر مستقیم

هر یک از امر به معروف لفظی و عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی مستقیم وارد می شوید حرف را مستقیم می زنید... یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می کنید که البته مؤثرتر و مفیدتر است. (۱)

ص: ۱۳

۱. امر به معروف و نهی از منکر از نگاه امام حسین علیه السلام

اشاره

اهمیت و ارزش مبانی آثار پیشتازان

ترک نهی از منکر، موانع، آثار و...

شرایط و بایسته ها

ص: ۱۴

لَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ (١) مِنَ الْكُوفِيِّ شَمَا هَسْتَم

ص: ١٥

١- بحار الانوار، ج ٢٤، ص ٣٨١.

۱. دوست داشتن معروف، بیزاری از منکر

اشاره

قال الحسین علیه السلام:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأُكْرَهُ الْمُنْكَرَ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

خدایا من معروف را دوست دارم و از منکر بیزارم.

بر ساحل حدیث

جاذبه معروفها، موجب روی آوردن فطرت‌های پاک به آن است.

همان گونه که مبعوض بودن منکرها عامل فطری دوری از آن می باشد. از این رو یکی از راههای شناخت ارزشها، این است که فطرت پاک انسانی به آن متمایل باشد و بر عکس ضدارزش آن است که روح بی غبار آن را پس بزند.

این حدیث:

ص: ۱۶

۱- در مقام بهادادن به معروف و نمایاندن منفور بودن منکر است.

۲- بر این مطلب تأکید می‌کند که خوبی و بدی ملا-کی دورنی برای شناخته شدن دارند و آن دوست داشتن و نداشتن و هماهنگی با فطرت سالم است.

۳- امام با اعلام اینکه «معروف را دوست دارد و از منکر بیزار

است» در پی تقویت رویکرد به معروف و بیزاری از منکر است و این عمل نوعی سیاست حمایتی در عرصه تبلیغی از معروفهاست؛

همان طور که نوعی سیاست تضعیف سازی منکرها در همان عرصه به شمار می‌رود. در سخن دیگری از امام حسین (علیه السلام) می‌توان درستی این تحلیل را یافت. آن حضرت از امام علی (علیه السلام) درباره زندگی رسول خدا پرسید، امام فرمود: «آنچه را نیکو بود، تحسین

و تقویت می‌کرد و آنچه را ناپسند بود، تقبیح و تحقیر می‌کرد.»

در توضیح باید گفت: در برخورد با معضلات و گناهان و یا

خوبیها و زیباییها دو کار (برخورد با شخص یا موضوع) می‌توان

انجام داد امام حسین (علیه السلام) با تایید یا تخریب موضوع مورد نظر، مردم را به آن متمایل یا از آن رویگردان می‌کرد. این گونه احادیث

نشان می‌دهند که ائمه نسبت به ترویج معروفها و تضعیف

منکرها، سیاست و سیره روشنی داشتند.

سیره عملی امام حسین (علیه السلام) نیز بر همین پایه استوار بود و آن

حضرت با تقييح گناهان مي كوشيد طبع انسانها را از منكرات دور سازد. (۱)

۲. نهي از بدی، ملاك دوستی

اشاره

قال الحُسين عليه السلام:

مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ. (۲)

امام حسين عليه السلام فرمود:

كسي كه دوستت بدارد، تو را (از كار زشت) نهي مي كند

و آنكه كه تو را دشمن بدارد، به آن ترغيب مي كند.

ص: ۱۸

-
- ۱- مانند اين سخن حضرت ؛ در پيران هرزگي ، در سلطان درنده خوئي ، در افراد شريف دروغگويي ، در ثروتمندان بخل و دانشمندان حرص ، زشت و قبيح است . بحار الانوار ، ج ۷ ، ص ۳۰۵ .
 - ۲- بحار الانوار ، ج ۷۵ ، ص ۱۲۸ ، اعلام الدين ، ص ۲۹۸ .

انسان به دلیل احساس مسئولیت می کوشد دیگران را از

آسیب حفظ کند، در توضیح این رویکرد باید گفت: هر چه

درجه علائق بیشتر باشد، احساس و ابراز مسئولیت در قالبهای مختلف (نصیحت، خیرخواهی، دعوت به خیر، امر به معروف، نهی از منکر) شدیدتر خواهد شد و هر گاه احساس پیوند

نباشد، احساس مسئولیت نیز وجود نخواهد داشت. پس میزان ابراز مسئولیت، در ارتباط مستقیم با احساس پیوند و علاقه است.

امام حسین علیه السلام نشان می دهد امر و نهی اشخاص، به مانند ابزار سنجش است و میزان پیوستگی و احساس مسئولیت آنان را نشان می دهد، بر این اساس:

۱ - باید به کسی که ما را از ناپاکی نهی و به پاکی امر می کند، به چشم دوستی نگاه کنیم که بر پایه احساس مسئولیت در پی کمک به ماست.

۲ - کسانی که در برابر آسیبها و پلیدیها هیچ عکس العملی نشان نمی دهند، در واقع احساس پیوستگی با ما ندارند از این رو نسبت به وضعیت ما حساس نیستند.

قال الحسین علیه السلام:

بل إنقاذُ هذا المسكينِ المؤمنِ من يدِ هذا
الناصبِ إنَّ اللهَ تعالى يقولُ «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا
أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» اى وَ مَنْ أَحْيَاهَا وَ أَرْشَدَهَا مِنْ
كُفْرٍ إِلَى إِيْمَانٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا مِنْ قَبْلِ
أَنْ يَقْتُلَهُمْ بِسُيُوفِ الْحَدِيدِ.

امام حسین علیه السلام از شخصی پرسید کدام کار نزد تو محبوبتر است؛

نجات ناتوانی از دست مردی که می خواهد او را بکشد یا کمک رساندن به مؤمن ضعیفی از شیعیان ما در برابر دشمنی که
می خواهد او را گمراه سازد؟ بعد خود حضرت فرمود:

بلکه نجات این مؤمن درمانده از دست ناصبی محبوبتر است.

خدای تعالی می فرماید «و هر که نفسی را احیا کند گویا همه مردم را زنده کرده است.» یعنی، هر که آن را زنده نماید و از
کفر به ایمان رهنمون شود، گویی همه مردم را از کشتار با

شمشیرهای آهنین زنده نگه داشته است.

بر ساحل حدیث

۱ - دین به معنای مجموعه ای از برنامه های زندگی مطلوب

الهی است و ملاکهایی برای زندگی بهتر ارایه می کند که همان ارزشهاست.

باید بدانیم که در مقام ارتباط بین دین (ارزشهای دینی) و

انسان (ارزشهای انسان به عنوان انسان) دو حالت (همخوانی و ناهمخوان) است. در اموری که ارزشهای انسان (به عنوان انسان) با ارزشهای دینی همخوانی دارد، تقابل معنا ندارد؛ اما در اموری که ناهمخوانی وجود دارد به دلیل این که برتری انسان به دین والتزامش به آن (ارزشمداری) است، حفظ و احیای ارزشهای دین مقدم است.

۲ - بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر (یکی از

ابزارهای احیاگری) در مقام تعارض بین دین و دنیا مقدم

خواهد بود. شهید مطهری می نویسد:

ص: ۲۱

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن

بقاء اسلام است، به اصطلاح علت مبقیه است، اصلاً اگر این اصل نباشد. (۱)

۳- برخلاف کسانی که می گویند «ارزش انسان والاتراز

ایدئولوژی اوست، «ارزش انسان را نمی توان به خاطر دین

پایمال کرد» و «ارزشهای زاییده ایدئولوژی باطل اند»، این

حدیث اصالت را به دین و ارزشهای دینی می دهد.

ص: ۲۲

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۷۶.

قال الحسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ حَتَّى
أَخَافَكَ اللَّهُمَّ مَخَافَةً يَخْجُزْنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَ
حَتَّى أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا اسْتَحَقُّ بِهِ كِرَامَتَكَ وَ
حَتَّى أَنْصِحُكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ.

امام حسین علیه السلام چنین دعا کرد:

خدایا بیم ناله کنندگان را از تو می خواهم، تا از تو

بترسم؛ بیمی که مرا از نافرمانی ات باز دارد و از تو فرمان

برم، به گونه ای که شایسته کرامت تو شوم و از بیم تو،

پاک و صمیمی به سویت برگردم. (۱)

ص: ۲۳

بر ساحل حدیث

۱ - امام حسین علیه السلام در این سخن نشان می دهد «ترس از خدا» یکی از مبانی عمل به معروف و پرهیز از منکر است. امام خواهان ترسی است که او را از نافرمانی الهی باز دارد و این حقیقت نیز آشکار می کند که یکی از ابزارهای مهم برای دوری از گناه و رویکرد به خوبیها، ترس از خداست.

۲ - بر این اساس، برای کاهش منکرات باید در پی ایجاد

روح خداترسی و خویشتن داری در مقابل خدا بود؛ موضوعی که با تحقق آن، هر فرد پلیس خود می شود و در مواقع لازم با صدور هشدارهای لازم، فرد را از نافرمانی باز می دارد.

ص: ۲۴

اشاره

قال الحُسَيْن عليه السلام

لَا يَتَّبِعِي لِنَفْسٍ مُّؤْمِنَةٍ تَرَى مَنْ يُعْصِي اللَّهَ فَلَا

تُنْكِرُ عَلَيْهِ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

شایسته نیست شخص مؤمنی ببیند کسی نافرمانی

خدا می کند و بر او انکار ننماید.

بر ساحل حدیث

یکی از مبانی امر به معروف و نهی از منکر، «احساس

ص: ۲۵

۱- کنز العمال، ج ۳، ۸۵، ح ۵۶۱۴ و حدیثی دیگر «برای چشم باایمانی حلال نیست که ببیند نافرمانی خدا میشود و او به سوی دیگر نگاه کند، مگر اینکه آن گناه رادگرگون سازد» امالی طوسی، ج ۱، ص ۵۴.

مسئولیت همگانی» در برابر منکرات است. فرد مؤمن، با

پذیرش اسلام، پیوندی بین خود و خدایش و پیوندی بین خود و جامعه دینی برقرار می‌سازد، که بر اساس آن علاوه بر آن که خود لباس ارزشی به تن می‌کند، برای بقای دین و جامعه دینداران، موظف به پاسداری از فضای جامعه دینی و ارزشها می‌شود. وجود منکر و ضدارزش در جامعه، تعارض کامل با دیندار بودن مؤمن دارد. و به هر مقدار منکر فزونی یابد، مجراهای تنفس هوای سالم برای مؤمنان تنگ تر خواهد شد.

پس مؤمن موظف است در برابر بروز منکر نه تنها سکوت

نکند؛ بلکه برای محو آن تلاش نیز بنماید. شهید مطهری

می‌نویسد:

مسئله ای که در ملتهای دیگر امروز دنیا به صورت

یک قانون دینی وجود ندارد این است که اسلام نه تنها

فرد را برای خود در مقابل خداوند از نظر شخص خود

مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم

مسئول و متعهد می‌داند امر به معروف و نهی از منکر

همین است که ای انسان تو تنها از نظر شخصی و

فردی در برابر ذات پروردگار مسئول و متعهد نیستی،

ص: ۲۶

تو در مقابل اجتماع خود هم مسئولیت و تعهدداری. (۱)

این حدیث مخالف دیدگاهی است که امر به معروف و نهی ازمنکر را به دلیل تراحم با حقوق دیگران مردود می‌داند. امام معتقد است اولویت با ارزشهاست نه اشخاص؛ لذا هر گاه ارزشها آسیب ببینند، مؤمنان باید به دفاع از حریم آن پردازند که به طور طبیعی برای شخص مرتکب منکر، محدودیت به دنبال خواهد داشت.

ص: ۲۷

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۵۳ و ۵۴.

قال الحسین علیه السلام:

اللَّهُمَّ... جَعَلْتَ عُقُولَهُمْ [اولیائک] مَنَاصِبَ

أَوَامِرِكَ وَ نَوَاهِيكَ. فَأَنْتَ إِذَا شِئْتَ مَا تَشَاءُ حَرَكْتَ

مِنْ أَسْرَارِهِمْ كَوَامِنَ مَا أَبْطَنْتَ فِيهِمْ وَ ابْتَدَأْتَ مِنْ

إِرَادَتِكَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ مَا أَفْهَمْتَهُمْ بِهِ عَنْكَ فِي

عُقُودِهِمْ بِعُقُولٍ تَدْعُوكَ وَ تَدْعُوا إِلَيْكَ بِحَقَائِقِ مَا

مَنْحَتَهُمْ بِهِ وَ إِنِّي لَا أَعْلَمُ مِمَّا عَلَّمْتَنِي. (۱)

امام حسین علیه السلام اینگونه دعا فرمود:

خدایا... اندیشه های آنان (اولیای خود) را پایگاههای

اوامر و نواهی خود قرار داده ای. پس هر گاه

خواستهای خود را بخواهی آن نهفته ها را که پوشیده

داشته ای، از باطن آنان به جنبش می آوری و از اراده خود

ص: ۲۸

آنچه را که در پیمانها به آنان آموخته ای بر زبانشان، به
واسطه اندیشه هایی که تو را می خوانند و با حقایق
عطیه هایت به سوی تو دعوت می کنند، آشکار می سازی
و من به سبب تعلیم تو آن (حقایق) را می دانم.

بر ساحل حدیث

قرآن کریم آکنده از اوامر و نواهی پروردگار است و او به دلیل برتری مطلقی که دارد، شایسته ترین فرد برای امر و نهی است.
البته خداوند امر و نهی خود را به زبان بشر (پیامبران، ائمه و اولیا) جاری می سازد. بنابراین حدیث در پی بیان موارد زیر است:

۱ - معروف و منکر (ارزش و ضدارزش) چنان اصالتی دارد

که خداوند خود به آن امر و نهی می کند و البته همچون امور دیگر، اجرای این موضوع را بر عهده بشر نمونه (اولیا) گذاشته
است.

ص: ۲۹

۲- فرآیند این کار چنین است:

الف. عقل اولیا پناهگاه اوامر و نواهی خداست.

ب. خداوند این اوامر و نواهی را هنگام نیاز از عقل آنان به

مرحله عمل و رفتار درمی آورد.

ج. اولیای خدا، در سایه اندیشه خود (که پناهگاه این امر و

نهی است) به آنچه خواست خداست، عمل و امر و نهی

می کنند.

۳- امام حسین علیه السلام خود یکی از این اولیای الهی است که آنچه انجام می دهد، تجلی خواست الهی و اوامر و نواهی اوست.

۴- نکته ظریفی که در این حدیث وجود دارد این است که امر به معروف و نهی از منکر، مبنای عقلی دارد و رفتارهای اولیا پیرامون امر و نهی، محصول فرمان عقل آنان است.

ص: ۳۰

قال الحُسين عليه السلام:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا.

وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ

أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

من از روی هوس و سرکشی و تبهکاری و ستمگری

قیام نکردم. تنها به انگیزه سامان بخشی در امت جدم

برخاستم. می خواهم به معروف امر و از منکر نهی کنم.

ص: ۳۱

بر ساحل حدیث

در برابر قیام امام حسین علیه السلام، حکومت به ایراد اتهامهایی علیه امام دست زد و کوشید در مورد دلایل این نهضت به تحریف دست زند. دو کار انجام می دهد رد اتهامات (از جمله خروج برای تفرقه، دنیاخواهی و پرستی ...) و بیان دلیل اصلی قیام که اصلاحگری در امت اسلامی است. این حدیث نشان می دهد:

۱ - آمر و ناهی باید در فضای تبلیغی دشمن غرق نشود و به خوبی از عهده دفع تبلیغات آنان برآید.

۲ - رد صریح اتهامات از خود و بیان دلیل اصلی اقدام، و گام

دوم برای اجرای موفق تکلیف است.

۳ - ابزار اصلاحگری در جامعه دینی «در همه سطوح» «امر

به معروف و نهی از منکر است»، هر چند در شدیدترین

صورت خود (جنگ با حکومت) بروز کند. در این باره به سخنی از شهید مطهری توجه می کنیم:

ص: ۳۲

«امام وصیتنامه ای می نویسد... «إِنِّي مَا إِخْرَجْتُ أَشْرَاءُ...» این عامل را خود امام مکرر و با صراحت کامل و بدون آنکه ذکری از مسئله بیعت و دعوت اهل کوفه به میان آورد، به عنوان یک اصل مستقل و یک عامل اساسی ذکر نموده این عامل ارزش بسیار بیشتری از دو عامل دیگر به نهضت حسینی می دهد. به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است برای همیشه زنده بماند. به موجب این عامل حسین یک مرد متعرض و منتقد است. مردی است انقلابی و قیام کننده، یک مرد مثبت است، دیگر انگیزه دیگری لازم نیست.» (۱)

ص: ۳۳

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۳۱ و ۳۲: باتلخیص.

قال الحسین علیه السلام:

أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ

قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ وَإِنْ تَسْمَعُوا

قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ. (۱)

امام حسین علیه السلام در نامه ای به سران و اشراف بصره، بعد از ذکر اولویت اهل بیت در ولایت و بیان غضب ولایت و... فرمود:

شما را به کتاب خدا و سنت رسولش فرا می خوانم که

سنت او را کشته اند و بدعت را احیا کرده اند.

اگر گفتارم را بشنوید و امر مرا اطاعت کنید، شما را به

ص: ۳۴

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰، مثير الاحزان ، ص ۲۷ و نمونه دیگر «و یلکم ما علیکم ان تنصتوا الی فتسمعوا قولی وانما ادعوکم الی سبیل الرشاد فمن اطاعتی کان من المرشدين ومن عصانی کان من المهلكین» بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸.

راه راست هدایت می کنیم.

۹. برپایی فرایض در سایه دو اصل

اشاره

قال الحُسَيْن عليه السلام:

بَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِّمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيتْ وَ أُقِيْمَتْ،

اسْتَقَامَتِ الْفَرَايِضُ كُلُّهَا هَيِّئُهَا وَ صَعَّبُهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ

الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى

الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمِهِ

الْفَيْءِ وَ الْعَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ

وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

ص: ۳۵

۱- تحف العقول ، ص ۱۶۸، بحارالانوار ، ج ۱۰۰، ص ۷۹، این حدیث از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است. تحف العقول ، ص ۲۳۷، بحارالانوار ، ج ۹۷، ص ۷۹.

خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف واجب از خود آغاز کرد، زیرا می دانست اگر این فریضه انجام شود، همه قوانین از آسان و دشوارش، برپا می شود. چون امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است؛ همراه با رد مظالم و مخالفت با ظالم و تقسیم بیت المال و غنائم و گرفتن زکات از جای خود و مصرف آن در مورد شایسته اش.

بر ساحل حدیث

این دو فریضه، راهکاری برای تضمین اجرایی شدن قوانین و فرایض است. کارکرد اصلی امر به معروف و نهی از منکر

فراهم کردن بستر لازم برای اقامه (برپایی و تداوم) معروفها و از بین بردن منکرات است. برای توضیح باید گفت: امر به

معروف و نهی از منکر، به مانند دو چشم بیدار هر لحظه

مراقب ارزشها می باشند. حال اگر این دو چشم بسته شوند، عوامل مخرب، معروفها را از بین خواهند برد بنابراین هر لحظه از حضور این دو فریضه، فرصتی برای حیات ارزشهاست

و هر لحظه از غیبت این دو، خلائی است که ارزشها را در

آستانه مرگ قرار می دهد.

کارکرد امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای است که به

طور مدام در حال برداشتن موانع از پیش پای تحقق

معروفهاست و از سوی دیگر هر لحظه مانعی بر سر راه تحقق منکرها ایجاد می کند. از این روی بااحیای این دو، هر لحظه امکان تحقق معروفها و تمام فرایض (آسان یا مشکل) وجود دارد و مانعی سر راه آن سبز نخواهند شد. با این توضیح می توان معنای سخن امام را «که با وجود امر به معروف و نهی از منکر همه فرایض (در همه زمینه های اعتقادی، اقتصادی و... به پا داشته شوند»، به درستی فهمید.

ص: ۳۷

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ

الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَانِ وَأَظْهَرُوا

الْفَسَادَ وَعَطَلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفَيْءِ وَأَحْلَوْا

حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ

(تغییر بالقول او بالفعل) لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

امام حسین علیه السلام فرمودند:

می دانید که این قوم پیرو شیطان شده، از پیروی خدای

رحمان سرتا فته اند و فساد را آشکار ساخته، حدود الهی

را تعطیل کرده اند و اموال عمومی را برای خود گزیده،

حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده اند و من به

سبب نزدیکی به رسول خدا از هر کسی دیگر سزاوارترم

که بر آنان بشورم. (۱)

ص: ۳۸

عکس العمل نشان دادن در برابر منکرات وظیفه عادی هر مؤمنی است، از این رو آنچه در این حدیث، تازگی دارد اولویتی است که امام علیه السلام برای خود در امر و نهی کردن قائل است. پیرامون خاستگاه این اولویت باید گفت: همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انقلاب اسلامی به وجود آورد، در برابر آسیبهایی که انقلاب را تهدید می کرد، نظام امامت را که از سوی خدا طراحی شده برده، اعلام کرد. از این رو نظام امامت عهده دار مبارزه با عوامل آسیب زا و مرتجعانی شد که

می خواستند ارزشهای نظام را نابود و آن را به ارزشهای جاهلی بازگردانند. بر این اساس متصدی نظام امامت که نماینده اش در عصر یزید، امام حسین علیه السلام است، علاوه بر این که به عنوان مسلمان موظف به امر و نهی است، به عنوان مسئول نظام امامت و نظام

ضد ارتجاعی نیز باید در سطح کلان به این وظیفه اقدام کند.

به این ترتیب روشن می شود منظور امام از «اولویت به خاطر نزدیکی به رسول خدا»، عهده داری مقام امامت و نظام ضد ارتجاعی است. (۱)

ص: ۳۹

۱- در روایتی دیگر امام حسین علیه السلام در مورد آیه «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقُّوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» فرموده این آیه درباره ما اهل بیت است. بحار الانوار: ج ۲۴، ۱۶۶.

به جز این، روایت گویای فسادهای موجود در تمام عرصه های (اعتقادی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی - قضایی) است.

۱۱. عالمان، برگزیدگان خدا برای امر و نهی

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَنْتُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ عِصَابُهُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَ

بِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي

أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ... أَلَيْسَ كُلُّ

ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتَمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ

بِحَقِّ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصِرُونَ... وَأَمَّا

حَقُّكُمْ بِزَعْمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ... كُلَّ ذَلِكَ مِمَّا أَمَرَكُمُ اللَّهُ

بِهِ مِنَ النَّهْيِ وَالتَّنَاهِي وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

ای گروه نیرومند، دسته ای هستید که به دانش مشهور

ص: ۴۰

و به خیرخواهی معروف اید و به وسیله خدا در دل مردم
ابهتی دارید که شرافتمند از آن حساب می برد ... آیا اینها
همه برای آن نیست که امیدوارند به حق خدا قیام کنید؛
هر چند از بیشتر حقوق الهی کوتاهی کرده اید ... و به
پندار خود، حق خویش را گرفته اید. همه اینها (قیام به
حق و بی تابگی از شکسته شدن پیمان خدا و رسول و...) از
اموری است که خدا شما را به آن امر کرده است؛ همان
نهی و بازداری، ولی شما از آن غافل هستید.

بر ساحل حدیث

امام حسین علیه السلام در این حدیث عالمان و نخبگان را

مسئولان اصلی امر و نهی می داند. ابزارهایی که آنان را به این شرافت رسانده، بیان می کند، انتظار مردم از آنان به قیام برای
اجرای معروف و ترک منکر را یادآور می شود، به آفتهایی که گریبان آنان را می گیرد اشاره دارد، برخی از حقوق را که
آنان به خاطر امر و نهی نکردن ضایع کرده اند یادآور می شود، و آنگاه به این موضوع که آنان (به دلیل استعدادهایی که
خداوند به آنها

داده،) به طور ویژه مؤظف به وظیفه امر و نهی (با عقل

هزینه هایش) هستند، توجه می دهد. از این روایت می فهمیم:

۱ - از جمله گروههایی که به عنوان پیشتازان امر به معروف و نهی از منکر برگزیده شده اند، عالمان و بزرگان جوامع اند.

۲ - ابزارهایی در اختیار این قشر وجود دارد که زمینه های

پذیرش و تأثیرگذاری را فراهم می کند؛ امام به نیرومند بودن

گروه، داشتن وجهه علمی، خیرخواهی، برخورداری از شکوهی که شرافتمندان از آن حساب می برند، اشاره می کند.

۳ - جایگاهی که مردم برای این گروه در نظر می گیرند به

دلیل این است که از آنان انتظار دارند در برابر بی عدالتی قیام کنند و حافظ ارزشها باشند.

۴ - گروههای پیشتاز در امر و نهی نیز به دلیل آفتهای

مختلفی که گریبان آنان را می گیرد، این فریضه را به فراموشی می سپارند و در اجرای آن کوتاهی می کنند.

۵ - از جمله اموری که این عده نسبت به آن بی تفاوت بودند حقوق خدا و حقوق ائمه است.

۶ - خداوند در مقابل تمام استعدادهایی که به آنان داده

است، آنان را مؤظف به امر و نهی و البته تحمل هزینه هایش

کرده است.

ص: ۴۳

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَنَّهُمْ كَانُوا يَزُونَ مِنَ الظَّالِمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ

الْمُنْكَرِ وَالْفِسَادِ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا

كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهِ

يَقُولُ «فَلَا تَخْشَوُ النَّاسَ وَاحْشَوْنِ» (۱) وَقَالَ

«الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (۲) « (۳)

امام حسین علیه السلام فرمود:

آنها (بنی اسرائیل) از ظالمانی که بین آنها بودند، گناه و فساد می دیدند، ولی به خاطر طمع در آنچه از آنها به ایشان می رسید و از ترس آنچه از آن می ترسیدند، آنان را نهی نمی کردند. باین که خدا می فرمود: «از مردم نترسید و از من بترسید» و

ص: ۴۴

۱- مائده / ۴۴.

۲- توبه / ۷۱

۳- تحف العقول. ص ۱۶۸، بحارالانوار. ج ۱۰۰، ص ۷۹.

فرمود: «مردان و زنان مؤمن، ولی یکدیگرند؛ به کارهای

پسندیده امر و از کارهای زشت نهی می کنند.»

بر ساحل حدیث

این حدیث در مقام یافتن دلایل ترک امر به معروف و نهی

از منکر، به موضوع هزینه هایی که امر و ناهی باید پردازد،

اشاره دارد. در این باره باید گفت:

۱- اجرای امر به معروف و نهی از منکر، حتی اگر از راههای صحیح صورت گیرد. به دلیل ماهیت آن (واداشتن یا

بازداشتن) تنشهایی را به وجود می آورد و اصولاً انجام تمام

فرایض مستلزم پرداخت نوعی هزینه از سوی مکلف است.

۲- هزینه هایی که امر و ناهی می پردازد به تناسب نوع

مخاطب و قدرت و موقعیت وی شکلهای متعددی می یابد؛

گاه مخاطب حاکم است و امر و نهی او موجب سلب امنیت و جان(۱) و حقوق اجتماعی می شود و گاه افراد مورد نظر

ص: ۴۵

۱- امام حسین فرمود: زن پادشاه بنی اسرائیل پیرشد وخواست دخترش را به ازدواج شاه درآورد پادشاه بایحیی مشورت کرد ویحیی او را از این عمل نهی کرد. آن زن چون فهمید ، دخترش را آراسته و نزد پادشاه فرستاد و او نزد شاه به رقص و کرشمه پرداخت . پادشاه گفت ، چه می خواهی ؟ گفت ، س یحیی زکریارا... شاه یحیی را کشت و سرش رادرطشتی طلایی نزد دختر فرستاد . پس زمین فرمان یافت و آن را گرفت و خدابخت نصر را بر بنی اسرائیل مسلط کرد . بحارالانوار ، ج ۴۵ ، ص ۲۲۹ .

ثروتمند و صاحب نفوذند و امر و نهی آنان ممکن است موجب سلب برخی امتیازها از آمران و ناهیان شود.

۳- اجتناب ناپذیر بودن این هزینه ها ممکن است امر و ناهی

را به ترک فریضه و ادا کردن کند. که دلیل عمده آن نداشتن باور

و ایمان کامل به خداست. (۱)

۴- امام حسین علیه السلام دو عامل اساسی (طمع - ترس) را به عنوان عوامل بازدارنده ذکر می کند و می فرماید بنی اسرائیل به دلیل تحمل نکردن این دو هزینه، از امر و نهی خاطیان صرف نظر کردند.

۵- حقیقت این است که امر و ناهی و هر فرد مکلفی باید

منشاء اصلی قدرت و عظمت را بشناسد و باور کند قدرت

ص: ۴۶

۱- امام در حدیثی فرمود: «مردم بنده دنیا بیند و شرینی دین را تنهابر زیان دارند. تازندگی هایشان پربار است. بر محور دین گرد می آیند و هرگاه بابلاها آزموده شوند دینداران کم میشوند.» بحار الانوار، ج ۴۴، ۳۸۳، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۳۴.

مطلق و کسی که باید در مقابل او خشوع داشت و به عطایش طمع ورزید، خداوند است؛ نه بندگان. بر پایه این حقیقت امام حسین علیه السلام به آیه قرآن اشاره می کند که مؤمنان باید تنها از خدا ملاحظه و ترس داشته باشند، نه غیر او و به این ترتیب آماده پرداختن هر نوع هزینه باشند.

۶- همچنین حضرت دلیل دیگری را هم برای لزوم هزینه

پذیری بیان می کند و آن ولایت و پیوندی است که مؤمنان

نسبت به یکدیگر دارند و بر اساس آن باید همدیگر را امر و

نهی و به طریق حق رهنمون شوند.

بنابراین در این حدیث دو مبنا برای هزینه پذیری بیان شده

است. (۱- باور داشتن قدرت مطلق الهی. ۲- قبول مسئولیت همگانی مؤمنان).

ص: ۴۷

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا

يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيُرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا

فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا الشَّهَادَةَ وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ

الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

آیا نمی بینید به حق عمل و از باطل نهی نمی شود. در

چنین شرایطی بایسته است مؤمنان خواهان دیدار خدا

باشند که من چنین مرگی را جز شهادت و زندگی در کنار

ظالمان را جز ننگ و خواری نمی دانم.

ص: ۴۸

۱- احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۵، الاسعاده بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱ و مثیر الاحزان، ص ۴۴، نمونه های دیگر. «از مرگ

نمی هراسم زیرا مرگ (شهادت در راه خدا) آرزوی (دوراز دسترس) است.» (ادب الحسین علیه السلام و حماسه. ص ۴۱).

بر ساحل حدیث

۱ - در جامعه فاقد شادابی دینی چون نسبت به مرگ ارزشها اعتراض نمی شود، ارزشها شکست خورده و ذلیل اند. بنابراین یکی از آثار ترک نهی از منکر و امر به معروف را باید «ذلت دینی» دانست و به عکس یکی از فواید امر و نهی، حفظ زندگی ارزشها و عزت آنها است.

۲ - امام حسین علیه السلام زندگی در چنین فضایی را جز مرگ نمی داند. زیرا درجایی که ارزشها می میرند، حیات برای انسان ارزشمدار معنا ندارد. چون انسان ارزشمدار، مرگ و زندگی خود را دایرمدار مرگ و زندگی ارزشهایش می داند.

۳ - امام حسین علیه السلام می کوشد با اعلام آمادگی برای شهادت طلبی، در جان مردگان روحی بدمد و به فصل خزان ارزشها پایان دهد.

۴ - از نظر او معروفها آن قدر ارزش دارند که او جانش را فدا

کند. بنابراین از این سخن به اهمیت ارزشها نیز باید پی برد.

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ

«مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا

لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي

عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بَقَوْلٍ وَلَا

فِعْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ» (۱)

امام بعد از آنکه توسط خُر در کربلا متوقف شد در نامه ای به بزرگان کوفه نوشت:

حتماً می دانید رسول خدا در زمان حیاتش فرمود: «هر

که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرامهای خدا را

حلال می شمرد، پیمان خدا را می شکنند، باسنت پیامبر

مخالفت می ورزد و بایندگان خدا با تجاوز رفتار می کند،

ص: ۵۰

ولی با گفتار و رفتارش بر او نشورد، خدا را می سزد که او

را در جایگاه آن ستمگر در آورد.»

بر ساحل حدیث

در این حدیث امام حسین علیه السلام به بازگویی حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازد و در پی معرفی مصداق آن است. این عمل (شناساندن مصدایق سلطان جائر و شناساندن جریان باطل) تأثیر زیادی در جلوگیری از ورود توده ها به جرگه منحرفان دارد. از این رو امام در جاهای دیگر نیز از این روش استفاده می کند، از جمله در جواب نصر بن مالک که از آیه (هذان خصمان اختصموا فی ربهم) سؤال کرده بود، فرمود: ما و بنی امیه در ارتباط با (ایمان و کفر به خدا) با هم در ستیزیم، ما باور داریم که خدا راست می گوید، آنان می گویند خدا دروغ می گوید، پس ما و آنان تا روز قیامت دشمن خواهیم بود.

(۱)

بنا بر این با این روش علاوه بر اینکه حکم لازم درباره گناه

مورد نظر اعلام می شود، مصداق آن نیز شناسانده می شود و

ص: ۵۱

چنین عملی، موجب می شود فرد مخاطب حق و باطل را به درستی تشخیص دهد و عامل زیربنایی رویکرد به معروف و گروه معروف طلبان فراهم شود.

ص: ۵۲

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مُنْقُوضَةً فَلَا تَفْرَعُونَ وَ أَنْتُمْ

لِبَعْضِ ذِمِّمِ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ وَ ذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ

مَخْفُورَةٌ وَ الْعُمَى وَ الْبُكْمُ وَ الزَّمْنَى فِي الْمَدَائِنِ

مُهْمَلَةٌ لَا تُرْحَمُونَ وَ لَا فِي مَنْزِلَتِكُمْ تَعْمَلُونَ وَ لَا

مَنْ عَمِلَ فِيهَا تَغْنُونَ وَ بِالْأُدْهَانِ وَ الْمُصَانَعَةِ عِنْدَ

الظَّلَمَةِ تَأْمَنُونَ كُلُّ ذَلِكَ مِمَّا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ مِنْ

النَّهْيِ وَ التَّنَاهِي وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

شما [ای گروه نیرومند! دسته ای که به دانش و نیکی و

خیرخواهی معروف اید] می بینید پیمانهای خدا شکسته

ص: ۵۳

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، تحف العقول، ص ۲۳۹، (محقوره به جای مخفوره و تعینون به جای تعنون).

شده است و نگران نمی شوید، با این که برای نقض پیمان
پدران خود به هراس می افتید. می بینید پیمان رسول خدا
خوار شده و کورها و لالها و از کارافتاده ها در شهرها رها
شده اند و رحم نمی کنید و در خور مسئولیت خود کار
نمی کنید و به سازش با ظالمان آسوده اید. همه اینها
همان نهی و بازداری است ولی شما از آن غافل اید.

بر ساحل حدیث

در این حدیث مسائل بسیار مهمی مورد اشاره قرار گرفته
است که می توان این امور را بر شمرد:

- ۱ - وجود منکرات؛ مانند شکسته شدن پیمانهای الهی، عهد رسول خدا، رها شدن کر و لالها در شهرها (فقر معنوی و اعتقادی)
مورد تصریح امام قرار گرفته است.
- ۲ - خداوند در برابر بروز منکرات از مؤمنان انتظار قیام و
اقدام برای اقامه معروفها و نابودی منکرها را دارد. از این روی مؤمنان (به طور عموم) وظیفه امر و نهی در چنین شرایطی دارند
و مخاطب امر خدا برای امر به معروف و نهی از منکر

شمرده می شوند.

۳- در برابر بروز منکرات، دانشمندان غیرمتعهد، رفتاری

کاملاً ناصواب از خود بروز می دهند که عبارت اند از:

- حساسیت نشان ندادن در برابر منکرها

- حساس بودن بی جا به میراث اجداد

- رحم نکردن و بی توجهی به کر و لاله‌ها (فقرای معنوی)

- کار نکردن به میزان مسئولیت

- بی توجهی به آمران و ناهیان و کسانی که وظیفه خود را

درست تشخیص داده اند.

- چاپلوسی و سازش با ظالمان.

ص: ۵۵

قال الحسین علیه السلام

اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ

سُوءِ تَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ «لَوْلَا يَنْهَاهُمْ

الرَّبَابِثِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْأَثَمُ» (۱). وَ قَالَ

«لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» إِلَى قَوْلِهِ

«لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۲). وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ

عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظُّلْمِ الَّذِينَ يَبِينُ

أَظْهَرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفَسَادَ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ

ذَلِكَ. (۳)

امام حسین علیه السلام فرمود:

ای مردم از آنچه خدا اولیایش را با آن پند داد، پند

ص: ۵۶

۱- مائده / ۶۳.

۲- همان / ۷۸.

۳- تحف العقول : ص ۲۳۷، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹.

بگیرید، مانند انتقاد او از دانشمندان یهود، آنجا که
می فرماید «چرا دانشمندان الهی آنان را از گفتار و
گناهانشان باز نمی دارند» و می فرماید «از میان بنی
اسرائیل آنان که کفر ورزیدند، لعن شدند...» تا آنجا که
می فرماید «چه بد بود آنچه می کردند». بدین سان
خداوند آنان را نکوهش کرد، چون از ستمگرانی که میان
آنها بودند گناه و فساد می دیدند، ولی آنها را نهی
نمی کردند.

بر ساحل حدیث

- ۱ - احبار و رهبانها مسئول امر و نهی اند و با این کار باید جامعه خود را نجات می دهند، ولی این گروه نیز ممکن است امر و نهی را ترک کنند.
- ۲ - گروه برگزیده در پی عمل نکردن به امر و نهی، مشمول لعن الهی می شوند. «دوری از رحمت الهی» اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر است و خداوند تارکان امر و نهی را شایسته نکوهش و انتقاد می داند.
- ۳ - این معادله در هر زمانی جاری است و امام، عالمان و زاهدان عصر خود را به پندگیری از سرگذشت اولیا در امتهای گذشته دعوت می کند.

۴ - شیوه امام برای دعوت بزرگان به پرهیز از ترک امر و نهی، استدلال از آیات الهی و نظریاتی تاریخی است. این گونه استفاده از وقایع تاریخی، موجب پذیرش زودتر در مخاطبان می شود و آنان را به این باور می رساند که تکرار تاریخ ممکن است.

۱۷. خواری عزیزان

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَقَعْنَا فِي الْخَطَايَا وَالْبَلَايَا
وَ فِي زَمَنِ انْتِقَاصِ وَاشْتِبَاهِ
تَفَانِي الْخَيْرِ وَالصُّلَحَاءِ ذُلُّوا
وَ عَزَّ بِذُلِّهِمْ أَهْلُ السَّفَاهِ
وَ بَاءَ الْأَمْرُونَ بِكُلِّ عُرْفٍ
فَمَا عَنِ مُنْكَرٍ فِي النَّاسِ نَاهِ
فَصَارَ الْحُرُّ لِلْمَمْلُوكِ عَبْدًا
فَمَا لِلْحُرِّ مِنْ قَدَرٍ وَ جَاهٍ (۱)

ص: ۵۸

امام حسین علیه السلام فرمود:

ما در عصر خطاها و گرفتاریها و در عصر شکستن

(پیمانها) و اشتباه (سرگردانی) واقع شده ایم.

خیر نابود شد و صالحان خوار شدند و با خواری آنان

ص: ۵۹

نابخردان عزیز شدند.

فرمان دهندگان به هر نیکویی برگشتند، از این رو در

میان مردم هیچ باز دارنده ای از منکر نیست.

آزادمردان، برده بردگان شدند، از این رو برای آزاد

مردان ارج و منزلتی نمانده است.

بر ساحل حدیث

این اشعار به روشنی دورنمای جامعه ای را که آمران به

معروف و ناهیان از منکر در آن نباشند، نشان می دهد.

امام برده شدن مردم آزاد، و سلب ارج و منزلت آنان را بعد از متروک شدن امر و نهی بیان می کند. بر این اساس از منظر امام

جامعه ای عزیز می ماند که آمران و ناهیان در آن زنده باشند، در غیر این صورت اگر آمران به معروف رویگردان

شوند، فضا برای جلوگیری از گناه نیز مناسب نخواهد بود و در چنین وضعیتی به تدریج خوینها نابود و پلیدیها زنده خواهند

شد و سرانجام کاربه جایی خواهد رسید که خوبان تحت سلطه ناصالحان در خواهند آمد.

ص: ۶۰

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى «وَأِنْ جَاهَدَكَ عَلَى

أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» وَ

قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ «أَنْتُمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ» وَقَوْلِهِ

«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ». (۱)

امام حسین از عبدالله فرزند عمرو عاص پرسید: اگر می گویی من محبوبترین افرادم، چرا در صفین با من و پدرم جنگیدی؟

او گفت: پیامبر از من خواست از پدرم اطاعت کنم. حضرت

فرمود:

آیا سخن خدا را نشنیده بودی که «و اگر پدر و مادرت

تو را وادار کنند آنچه را نمی دانی شریک خدا قرار دهی،

ص: ۶۱

۱- مناقب ابن شه آشوب، ج ۴، ص ۷۳، العوالم، ج ۱۷، ص ۳۵، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۷.

امر آنان را نپذیر» و فرموده رسول خدا را که «همانا

اطاعت از غیر خدا، فقط در کارهای نیک است» و

فرموده اش را که «هیچ مخلوقی در چیزی که نافرمانی

آفریدگار در آن است، نباید اطاعت شود.»

بر ساحل حدیث

۱ - هر چند عذر عبدالله، ساختگی است و او نه به خاطر نهی پیامبر از نافرمانی پدر، بلکه به خاطر همراهی با پدر و قبول نداشتن جبهه حق به جنگ صفین رفته بود، اما امام از انگیزه اش چشم می پوشد و سراغ اصل استدلال او می رود.

۲ - در برابر استدلال عبدالله که از پیامبر به نفع خود خرج

می کند، امام منظور پیامبر را با قرآن توضیح می دهد؛ یعنی با چیزی که مورد موافقت طرف مقابل است.

۳ - امام مرز اطاعت پذیری را بیان می کند و آنجایی است که به کارهای نیک و ارزشی فرمان داده شود، نه ضد ارزشی. بنابراین ما مؤظف هستیم در برابر امر و نهی ها بصیرت داشته باشیم.

۴ - اصالت با ارزشهای الهی و دینی است، به گونه ای که در زمان تراحم بین حقوق الهی و حقوق دیگران (مثلا- حقی که پدر

بر گردن فرزند دارد و فرزند باید به امر او عمل کند) باید اولویت به ارزشها و حقوق الهی داده شود.

ص: ۶۳

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرٍ غَيْرِ مُسْتَمَعٍ لِقَوْلِي قَدْ

انْخَزَلْتُ عَطِيَّاتِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ مِلَّتْ بَطُونُكُمْ مِنَ

الْحَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ. (۱)

امام به لشکر عمر سعد رو کرد و فرمود:

همه شما از امر من سرپیچی می کنید و ناشنواید، زیرا

بخششهایتان در حرام منحصر و شکمهای شما از حرام

پر شده است و خدا بر دلهای شما مهر زده است.

بر ساحل حدیث

۱ - گناه آثار وضعی دارد و در همین زندگی دنیایی اثر سوء برجای

ص: ۶۴

۱- مقتل الحسین خوارزمی، ج ۲، ص ۶، باختلاف در بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸، العوالم، ج ۱۸، ص ۲۵۱.

می گذارد، هر چند ممکن است این اثر از نظر فرد پنهان بماند.

۲- بر اساس این حدیث روشی که این گروه برای زندگی

برگزیده اند، مبتنی بر حرام خواری است و این گناه با وجود آنان آمیخته شده است.

۳- به دلیل حرام خواری زیاد (به گونه ای که شکمهایشان از حرام پر شده است) آنان استعداد هدایت پذیری را از دست می دهند؛ درست مثل کسی که تا نوک موی سر در باتلاق فرو رفته و هیچ راهی برای نجات ندارد. از این روی بر قلب آنان مُهر زده می شود، یعنی دیگر استعداد هدایت پذیری ندارند.

۴- امام حسین علیه السلام دلیل سرپیچی از اوامر خود را همین بلای بزرگ می داند و معتقد است آنچه موجب می شود رهنمودش در جان آنان تاثیر نگذارد، این است که دلهایشان مُهر خورده است. آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «از بلاهایی که بر این امت فرود آمده این است که اگر ما آنان را فرا خوانیم نمی پذیرند...»

۵- امام با اعلام این فرآیند، دیگران را از قباحات و آثار این گناه

بزرگ (حرام خواری) مطلع سازد و در واقع هر چند گفتن این سخن برای آن جمع فایده ای نداشت، ولی شناخت مخاطبان بعدی از گناه و اثر آن را در پی دارد.

ص: ۶۶

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ «... إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ

عَلَى مِثْبَرِي فَأَنْتَقِرُوا بَطْنَهُ.» فَوَاللَّهِ لَقَدْ رَأَاهُ أَهْلُ

الْمَدِينَةِ عَلَى مِثْبَرِ جَدِّي فَلَمْ يَفْعَلُوا مَا أُمِرُوا بِهِ

فَأَبْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِإِيْنِهِ يَزِيدَ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

از رسول خدا شنیدم که فرمود:

«... اگر معاویه را بر منبر من دیدید شکمش را

بشکافید.»

به خدا سوگند اهل مدینه او را بر منبر جدم دیدند و به

فرمانش عمل نکردند، از این رو خدا آنان را به فرزندش

ص: ۶۷

بر ساحل حدیث

۱ - پیامبر شخصاً به اقدام عملی دستور می دهد و از مردم

می خواهد وارد این مرحله شوند این موضوع گویای آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به وقوع انحرافها، بعد از خود، آگاهی داشت و، به تناسب، راهکارهایی را برای کنترل و حذف آنها پیش بینی کرد. و موضوع امر به معروف و نهی از منکر از جمله این راهکارها است. لذا در صورتی که مسلمانان به این تکلیف عمل می کردند، انحراف مذکور زدوده می شد.

۲ - امام حسین علیه السلام به اثر نپذیرفتن نهی از منکر و امر به معروف پیامبر اشاره می کند و آن را «تسلط یزید بر امت» می داند. به این ترتیب روشن می شود یکی از آثار نهی ناپذیری و نیز ترک امر به معروف و نهی از منکر «ذلت امت» است که در آن زمان این موضوع با تسلط همه جانبه یزید محقق شد.

۳ - نکته دیگر این که اگر امت امر و نهی پیامبر را

می پذیرفت و (طبق آن خود نیز با نهی از منکر در مرحله

عملی معاویه را از بین برمی داشت) به عزت می رسید؛ همان طور که با ترک آن دچار ذلت شد.

ص: ۶۹

۲. نمونه هایی از گفتار و کردار امام حسین علیه السلام

اشاره

مرحله قلبی

مرحله زبانی و شیوه ها

مرحله عملی

در برابر آمران و ناهیان

ترک امر و نهی

امر و نهی در عرصه های مختلف

ص: ۷۰

عَلَيْكَ شَرَابُكَ أَيُّهَا الْمَرْءُ لَا عَيْنَ عَلَيْكَ مَنِّي. (۱)

یزید مشغول شرابخواری بود که امام حسین علیه السلام وارد شد. او با بی شرمی امام را دعوت به آن کرد. حضرت فرمود: شرابت به زبان خودت، ای مرد من بر تو نظارت ندارم.

ص: ۷۱

۱- وقتی با اصرار یزید مواجه شد فرمود: «به راستی ای فرزند معاویه، دل تو را بیمار کرده است» الکامل فی التاریخ، ج ۲. ص ۶۰۳، نمونه دیگر: وقتی فرستادگان عمر سعد نتوانستند از خروج امام از مکه ممانعت کنند. به آنان به زدو خورد پرداختند و امام را متهم به تفرقه افکنی بین امت کردند. حضرت در پاسخ این آیه راتلاوت فرمود «عمل من برای من و عمل شما برای شماست. شما بیزار از کار من هستید و من بیزار از کردار شما» یونس / ۴۱. وقعه الطف ص ۱۵۳، مثير الاحزان. ص ۳۹. و نمونه سوم، در پاسخ به اشعار یزید (الفتوح. ج ۵، ص ۷۵).

۱ - در این روایت، مخاطب امام طبقه حاکم و مشخصاً فرزند معاویه است.

۲ - امام از مرحله ابراز تنفر قلبی استفاده کرده است، در حالی که در قضیه کربلا- تندترین روشها (قیام علیه حکومت) را برگزید و بیشترین هزینه (کشته شدن) را هم پذیرفت.

۳ - راز این دو گانگی در آن نهفته است که قبول خطر

عظیم، در برابر منکر عظیم پذیرفتنی است، لذا امام خطر

عظیم (شهادت) را در برابر منکر عظیم (موروثی کردن

خلافت، افسادهای سازمان یافته در جامعه، دگرگونی اسلام و...) می پذیرد. اما در این مورد خاص (شرابخواری یزید) به روش حداقلی بسنده می کند.

شهید مطهری رحمه الله می نویسد:

اولین مرتبه نهی از منکر هجر و اعراض است: یعنی وقتی

شما فرد یا افرادی را می بینید که مرتکب منکراتی می شوند به عنوان مبارزه با او از او اعراض می کنید. وی را مورد هجر قرار می دهید یکی از درجات و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و در واقع یکی از اقسام تنبیه در مواردی که باید اجرا شود، این است که شما نسبت به او سردی نشان دهید، بی اعتنایی

کنید. (۱)

ص: ۷۳

۱- حماسه حسینی ، ج ۲، ص ۹۳ و ۹۴، باتلخیص.

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
ثُمَّ وَلَّيْتَ إِيَّاكَ وَهُوَ غُلَامٌ يَشْرَبُ الشَّرَابَ وَ
يَلْهُو بِالْكَلَابِ فَخُنْتَ أَمَانَتَكَ وَ أَخْرَبْتَ رِعْيَتَكَ وَ
لَمْ تُؤَدِّ نَصِيحَةَ رَبِّكَ فَكَيْفَ تَوَلَّى عَلَى أُمَّهِ مُحَمَّدٍ
مَنْ يَشْرَبُ الْمُسْكِرَ... وَ لَيْسَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ
بَأَمِينٍ عَلَى دِرْهِمٍ فَكَيْفَ عَلَى الْأُمَّهِ فَعَنْ قَلِيلٍ تَرِدُ
عَلَى عَمَلِكَ حِينَ تُطْوَى صَحَائِفُ الْإِسْتِغْفَارِ.

قاضی نعمان مصری نامه ای از امام حسین علیه السلام به معاویه نقل کرده است. که در آن او را از منکرات نهی می کرد:

سپس فرزند خود را که جوانی شرابخوار و سگ باز
است، جانشین خود کردی پس در امانت خیانت رواداشتی
و زبردستان خود را به تباهی کشاندی و وظیفه دینداری
را انجام ندادی.

چگونه کسی را بر مسلمانان می گماری که شراب

می نوشد ... و شرابخوار بر یک درهم نیز امین نیست،

چگونه بر امتی امین باشد.

به زودی، آنگاه که نامه های استغفار و توبه پیچیده

شود، نتایج عمل خود را دریابی. (۱)

بر ساحل حدیث

۱ - یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از مکتوبات، نامه ها، مطبوعات و رسانه هاست که می تواند به طور خصوصی (نامه های شخصی، گفت و گوهای طرفینی) و عمومی (نامه های سرگشاده، سخنرانیهای عمومی و علنی و...) باشد که البته هر یک ویژگیهای خود را دارند.

۲ - در اینجا امام از شیوه نامه نگاری استفاده کرده است.

علاوه بر شکل امر و نهی، روش امر و نهی نیز مهم است. در این نامه حضرت از روش اعتراض، استدلال و هشدار، سود برده است. امام ابتدا به یادآوری منکرات و اعتراض به آن

ص: ۷۵

پرداخته، آنگاه در ضمن هر مورد، استدلال خود بر منکر و غیر صحیح بودن آن را به روشنی توضیح داده و در خاتمه به هشدار و انذار وی پرداخته است.

۲۳. نهی با بیان دلیل

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا هَذَا لَا تُجَاهِدْ فِي الرِّزْقِ جِهَادَ الْمُغَالِبِ وَلَا

تَتَكَلَّمْ عَلَى الْقَدْرِ اتِّكَالَ مُسْتَسْلِمٍ فَإِنَّ ابْتِغَاءَ

الرِّزْقِ مِنَ السُّنَّةِ وَالْإِجْمَالِ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعِفَّةِ وَ

لَيْسَتْ الْعِفَّةُ بِمَانِعَةٍ رِزْقًا وَلَا الْحِرْصُ بِجَالِبٍ فَضْلًا

وَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ وَالْأَجَلَ مَحْتُومٌ وَإِسْتِعْمَالَ

الْحِرْصِ طَالِبُ الْمَأْثَمِ.

امام حسین علیه السلام خطاب به شخصی فرمود:

فلانی! در راه به دست آوردن روزی ستیزه گرانه تلاش

مکن و بر قدر مانند شخص بی اختیار، تکیه مزین زیرا در
جست و جوی روزی بر آمدن از سنت است و اجمال در
جست و جوی روزی از عفت است و عفت مانع روزی
نیست و حرص زیاد روزی نمی آورد. برآستی رزق تقسیم
شده و اجل حتمی است و به کار گیرنده حرص جوینده
گناه است. (۱)

بر ساحل حدیث

در میان نهی های امام، کمتر موردی را می توان یافت که

حضرت به امر و نهی خشک بسنده کرده باشد؛ بلکه عموماً در کنار نهی، به بیان دلیل می پردازد. در این جا نیز این کار را
کرده است. حداقل فایده های بیان دلیل چنین است:

۱ - شکستن مقاومت فکری طرف مقابل

۲ - آماه سازی زمینه پذیرش امر و نهی

ص: ۷۷

۱- اعلام الدین ، ص ۴۲۸، بحار الانوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۷ ، غالب اتباع ، ططب به جای مغالب ، ابتغاء طالب مستدرک الوسایل ،
ج ۱۳ ، ص ۳۵.

۳- تداوم ترک منکر و انجام معروف به دلیل برخورداری از

منطق قوی

۴- مقاومت در برابر عوامل ارتجاعی به دلیل واکنش

شدن استدلالی

۵- تبدیل فرد معصیت کار به جمع طرفداران معروف

ص: ۷۸

اشاره

قالَ الحُسَيْنُ عليه السلام

افْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ. فَأَوَّلُ ذَلِكَ

لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّانِي أُخْرِجْ

مِنْ وِلايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّالِثُ أُطَلِّبْ

مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الرَّابِعُ إِذَا

جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ

نَفْسِكَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الخَامِسُ إِذَا ادْخَلَكَ

مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبْ مَا

شِئْتَ. (۱)

شخصی نزد امام حسین علیه السلام آمد و گفت: من فردی گناهکارم و در برابر گناه تاب خویشنداری ندارم. حضرت

ص: ۷۹

فرمود:

پنج کار را انجام بده، آنگاه هر چه خواستی گناه کن؛

اول: روزی خدا را نخور و هر چه خواستی گناه کن. دوم:

از قلمرو او بیرون برو و هر چه خواستی گناه کن. سوم:

به جایی وارد شو که خدا تو را نبیند و هر چه خواستی

گناه کن. چهارم: هر گاه فرشته مرگ آمد تا جانت را

بگیرد، او را از خود بران و هر چه خواستی گناه کن.

پنجم: هر گاه مالک دوزخ تو را در آتش اندازد، در آتش

نرو و هر چه خواستی گناه کن.

بر ساحل حدیث

هر چند عوامل بیرونی متعددی برای بازداری از گناه در

جامعه اسلامی طراحی شده است، اما اسلام مهمترین عامل را رویکرد و باور درونی افراد می داند: امری که هیچ بدیلی برای آن نمی توان سراغ گرفت.

بر پایه این اصل، امام فرد گناهکار را به گونه ای رهنمون

می شود که آن عامل درونی در وجودش بیدار شود و او به آن

ص: ۸۰

باور مقدس و بزرگ برسد؛ که خداوند سلطه همه جانبه دارد و بشر در هیچ پایه و مرحله ای از انتقام او در امان نیست. این ترس مقدس موجب خواهد شد فرد باور کند که در هر حالی در منظر اوست، و خدا در لحظه لحظه زندگی او حضور دارد.

نکته ظریفتر این که امام سیر نیازمندی و ذلت انسان در

تمام مراحل را به ترتیب یادآور می شود (روزی خوردن، در

قلمرو خدا بودن، در منظر خدا قرار داشتن، حتمی بودن مرگ، مقدر بودن عقاب و عذاب) و به این ترتیب فرد را به باور داشتن «عظمت و سلطه الهی» در همه جوانب و «لزوم فرمان بردن از او» می رساند.

ص: ۸۱

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَيُحَكِّكَ أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكَ

أَتُقَاتِلُنِي وَ أَنَا ابْنُ مَنْ عَلِمْتَ؟

يا هذا ذر هؤلاء القوم وكن معي فإنه أقرب لك

من الله. (۱)

امام شخصی را فرستاد و به ابن سعد پیام داد که با او کار

دارد. وقتی آمد، فرمود:

وای بر تو! آیا از خدایی که بازگشت به سوی اوست

نمی ترسی؟ آیا با من که می دانی پسر چه کسی ام،

می جنگی؟ اینان را رها کن و با من باش که تو را به خدا

نزدیک می کند.

- در پی این سخنان، عمر سعد بهانه های مختلفی آورد که

ص: ۸۲

امام یکایک آنها را رفع کرد، ولی در نهایت به رغم استدلالهای امام، سکوت کرد، امام نیز از او منصرف شد و نفرینش کرد.

۲۶. شناساندن اثر گناه

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِنَّ مَنْ وَضَعَ دِينَهُ عَلَى الْقِيَاسِ لَمْ يَزَلِ الدَّهْرَ

فِي الْأَرْتِمَاسِ مَائِلًا عَنِ الْمُنْهَاجِ ظَاعِنًا فِي

الْإِعْوِجَاجِ، ضَالًّا عَنِ السَّبِيلِ... (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

هر کسی دین خود را بر قیاس نهد، همواره عمرش در

اشتباه می گذرد. از آیین روشن خدا رو برمی تابد. به

سوی کجی و انحراف کوچ می کند و از راه راست حق گمراه

می شود.

ص: ۸۳

۱- بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

شناساندن آثار گناهان می تواند رویگردانی از گناه را در پی

داشته باشد. از این رو امام در مقابل دانشمندی که از قیاس سود می برد، به تشریح عوارض و آثار آن می پردازد و توضیح می دهد که قرار دادن دین بر محور قیاس، در نهایت به گمراهی می انجامد. امام می داند که آن دانشمند در پی گمراهی نیست بلکه در پی یافتن حق است. بنابراین با آگاهی از هدف نهایی آن فرد، راه دستیابی به هدایت و صراط حق را، به او توضیح می دهد و می فرماید که نه تنها قیاس او را به مقصود نمی رساند، که موجب انحرافش از حق نیز می شود. (۱)

در روایتی دیگر امام می فرماید:

مَنْ حَاوَلَ امْرَأًا بِمَعْصِيَتِهِ اللَّهِ تَعَالَى كَانَتْ لَهَا أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُوا

وَأَسْرَعُ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ (۲)

ص: ۸۴

۱- ر.ک به : زادالمعاد ، ص ۱۴۶، اللهم... لا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ .خدایا مرابانافرمانی خود ، شقی نگردان ..) و«اتقوا هذه الالهواء التي جماعها الضلاله وميعادها النار.از این هواهای نفسانی که مجموعه اش گمراهی و سرای مثل آتش است بپرهیزید) احقاق الحق ، ج ۱۱، ص ۵۹۱.

۲- کافی ، ج ۲، ص ۳۷۳، تحف العقول ، ص ۱۷۷.

کسی که از راه نافرمانی خدا در پی چیزی باشد، آنچه را امید دارد. زودتر از دست می دهد و آنچه را بیم دارد، زودتر سر می رسد.

ص: ۸۵

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

لَقَدْ بَلَغَنِي وَقِيعَتُكَ فِي عَلِيٍّ وَ قِيَامُكَ بِبُغْضِنَا وَ

إِعْتِرَاضُكَ بَنِي هَاشِمٍ بِالْعُيُوبِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ

فَارْجِعْ إِلَى نَفْسِكَ ثُمَّ سَلِّهَا الْحَقَّ عَلَيْهَا وَ لَهَا،

فَإِنْ لَمْ تَجِدْهَا أَعْظَمَ عِيْبًا فَمَا أَصْغَرَ عَيْبِكَ فِيكَ

وَ قَدْ ظَلَمْنَاكَ يَا مُعَاوِيَةَ فَلَا تُؤْتِرَنَّ غَيْرَ قَوْسِكَ وَ لَا

تَرْمِيْنَ غَيْرَ غَرَضِكَ وَ لَا تَرْمِنَا بِالْعِدَاوَةِ مِنْ مَكَانٍ

قَرِيبٍ. (۱)

ص: ۸۶

۱- احتجاج ، ص ۲۹۶، بحارالانوار ، ج ۴۴، ص ۱۲۹، نمونه ای دیگر. این روش ر.ک به، دیوان امام حسین علیه السلام ص ۱۳۸، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۱، و ۱۲۰. نمنه دیگر از طریق مذاکره علمی است ، امام حسین علیه السلام به نافع به ارزق فرمود، شنیده ام پدرم و مراتکفیر میکنی؟ از تو سؤال دارم؟ عرض کرد بفرمایید امام از این آیه پرسید «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ» و اما آن دیوار {که در زیر آن گنج بود} از آن دو پسر بچه یتیم در این شهر است « گفت : حق پدرشان امام پرسید» فَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ «علیه السلام. پدر آنها بهتر است یا رسول خدا صلی الله علیه وآله تاریخ ابن عساکر. ترجمه امام حسین ص. ۱۵۷.

معاویه در ایام حج، امام حسین علیه السلام را دید و با او درباره کشتن شیعیان سخنانی گفت. حضرت فرمود:

من از بدگویی تو به علی و تلاش تو در کینه توزی ما و

عیب جویی از بنی هاشم آگاه شده ام. اکنون که چنین

می کنی، به خود برگرد و از وجدانت - به زیانت یا نفعت

باشد - حق را بپرس. اگر نفس خود را معیوبترین ندیدی

پس عیوب تو چه ناچیز است و ما به تو ستم کرده ایم.

ای معاویه جز به کمان خود زه مبنده و جز به مقصد

خود تیر میفکنی و ما را از جایی نزدیک هدف نگیری.

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا هَذَا كُفَّ عَنِ الْعَيْبِ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

ای فلانی دست از غیبت بردار، چون نان و خورشت

سگهای جهنم است.

ص: ۸۸

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نَادِ فِي النَّاسِ أَنْ لَا يُقَاتِلَنَّ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ

فَأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ لَا بَدَعَ لَهُ

وَفَاءً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ (۱)

امام حسین علیه السلام به عمیر فرمود:

در بین مردم ندا کن کسی که بدهی دارد نباید با من به

پیکار درآید که هر که با بدهی بمیرد و برای پرداخت آن

نیندیشیده باشد، در آتش درآید.

بر ساحل حدیث

از ویژگیهای آمران و ناهیان، التزام عملی به اجرای معروفها

ص: ۸۹

۱- تاریخ ابن عساکر (ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۱۵) به نوعی دیگر، احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۴۲۹.

و ترک منکرهاست و آنان باید خود در مرحله عمل از ارتکاب

گناه و یا ترک واجبات پرهیز کنند. از این رو شاهدیم که امام درسخت ترین شرایط که به وجود یارانی مبارز نیاز دارد، دست به کاری می زند که در عمل به کم شدن همین جمع اندک می انجامد.

البته این حدیث به معنای آن نیست که فریضه اهم جهاد و

دفاع از کیان اسلام، به خاطر ادای قرض ترک شود، زیرا روشن است که ضرر حاصل از ترک جهاد به مراتب بالاتر از ترک ادای دین است. بلکه به نظر بیدار کردن روحیه ارزشمداری و التزام عملی به تمام ارزشهای دینی، در مراتب، مورد نظر امام است.

از سویی دیگر امام راه حل نشان می دهد و آن این است:

مؤمنان که احیاناً قرض دارند، حداقل به فکر ادای آن باشند و آن گاه در جهاد شرکت کنند. این امر ممکن است در قالب وصیت کردن برای ادای دین و... باشد.

در این باره می توان استفتایی از امام خمینی؛ را یادآور شد که بر ادای فریضه جهاد، هر چند با ترک ادای قرض، اشاره دارد.

س: آیا کسی که مقروض است قبل از پرداخت قرض خود

می تواند در جبهه حضور یابد یا نه؟

ج: مانع ندارد، ولی اگر طلبکار مطالبه می کند، و او قدرت

ص: ۹۰

پرداخت دارد، اوّل بدهی را بپردازد و بعداً در جبهه شرکت کند. (۱)

ص: ۹۱

۱- استفتاآت امام خمینی رحمه الله، چ جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۵۱۷.

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خَفَّضُ عَلَيْكَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ لَكَ، إِنَّكَ لَوْ

إِسْتَعْنَتْنَا لِأَعْنَاكَ وَلَوْ إِسْتَرْفَدْتَنَا لَرَفَدْنَاكَ وَلَوْ

إِسْتَرَشَدْتَنَا لَأَرْشَدْنَاكَ

عصار بن مصطلق می گوید: وارد مدینه شدم و حسین بن

علی را دیدم به خاطر کینه ای که از پدرش داشتم، گفتم تو

فرزند ابوترابی؟ گفت آری. من تا توانستم به او ناسزا گفتم تا

آنکه خود خسته شدم. حضرت با مهربانی آیات ۱۹۹ تا ۲۰۲

اعراف را (مبنی بر نیکوکاری، نیاز به خدا..) خواند و فرمود:

بر خود آسان بگیر از خدای سبحان برای خود و تو

آمرزش می خواهم. اگر از ما کمک بخواهی کمک می کنیم،

اگر بخشش بخواهی، می بخشیم و اگر هدایت بجویی،

راهنمایی ات می کنیم.

عصار گفت پشیمانی وجودم را فرا گرفت. ولی امام فرمود
خجالت نکش که خدا گناهت را می بخشد و او مهربانترین
مهربانان است.

بر ساحل حدیث

امر به معروف و نهی از منکر، همواره به معنای پیش گرفتن
روشهای تند و تحکم آمیز نیست، بلکه هدف اصلی در آن

بازداری از منکر و واداری به معروف است. از این رو تمام سازو کارهایی که می تواند به این روند کمک کند، تحت عنوان
امر به معروف و نهی از منکر جاری خواهد بود و از آن جمله است این روش امام حسین علیه السلام که طی آن ریشه گناهان
و نافرمانی را می خشکاند.

شهید مطهری رحمه الله در این باره می نویسد:

وارد عمل شدن تنها زور گفتن نیست. کتک زدن و مجروح
کردن نیست. پیغمبر دو گونه عمل می کرد. یک نوع عمل
پیغمبر مهربانی و لطف بود... اگر به مرحله ای می رسید که

دیگر لطف و مهربانی و احسان و نیکی سود نمی بخشید... وارد عمل جراحی و داغ کردن می شد... .

درشتی و نرمی به هم در به است

چون رگ زن که جراح و مرهم نه است (۱)

ص: ۹۳

۳۱. افشاگری

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا مُعَاوِيَةَ... فَهَمْتُ مَا ذَكَرْتَهُ عَنْ يَزِيدَ مِنْ

إِكْتِمَالِهِ وَ سِيَاسَتِهِ لِأَمِّهِ مُحَمَّدٍ تُرِيدُ أَنْ تُوَهِّمَ

النَّاسَ فِي يَزِيدَ كَأَنَّكَ تَصِفُ مَحْجُوبًا أَوْ تَنْعَتُ

غَائِبًا أَوْ تُخْبِرُ عَمَّا كَانَ مِنْهَا إِخْتَوَيْتَهُ بِعِلْمٍ خَاصٍّ وَ

قَدْ دَلَّ يَزِيدُ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مُوقِعِ رَأْيِهِ... فَمَا

أَعْنَاكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ مِنْ وَزْرِ هَذَا الْخَلْقِ بِأَكْثَرِ مِمَّا

أَنْتَ لَاقِيَهُ... (۱)

معاویه به مدینه آمد و با طرفندهای مختلف از جمله تصویر

کردن چهره پاک و مقدس از یزید، خواست مردم را بفریبد و او را ولیعهد خود کند. امام در مقابل، چنین افشاگری کرد:

ای معاویه ... آنچه را درباره یزید گفتمی که به حد کمال

ص: ۹۵

رسیده و امت محمد را می تواند اداره کند، فهمیدم. آیا

می خواهی مردم را درباره او به اشتباه اندازی! گویا

شخصی پوشیده و ناشناخته را توصیف می کنی، یا از

کسی که آگاهی ویژه درباره او داری خبر می دهی! یزید

خود به جایگاه اندیشه اش رهنمون می شود...چه سودی

دارد که خدا را با گناهان این مردم به بیشتر از آنچه

خودداری ملاقات کنی.

بر ساحل حدیث

از جمله شیوه هایی که برای زمینه سازی و اجرای منکرات

به کار می رود، استفاده از غلط اندازی (مغالطه کاری)، اغواگری و فریب همگانی است.

در جایی که حاکم به میان جمعیت مسلمانان آمده و با

سخنان اغواگرانه و مغالطه آمیز خود می کوشد، آنان را آماده پذیرش امری فاجعه آمیز (ولایتعهدی یزید) کند، اقدامی

فوریت، و مؤثرتر از افشاگری نمی توان سراغ گرفت، لذا امام با این روش در برابر اقدام معاویه می ایستد و در همان مجلس

رشته های او را پنبه می کند و با بازشناساندن یزید مغالطه

معاویه را به هم می ریزد.

نکته ظریفی که از این روایت می توان بازیابی کرد، به

کاربرد نوع عکس العمل اصلاحی در برابر عمل افسادی

است؛ در این جا وقتی معاویه از روش مغالطه سود می برد و آنچه را که نیست به تصویر می کشد، امام به افشاگری در همان مجلس روی می آورد.

علاوه بر این به رغم افشاگری، حضرت در خاتمه معاویه را

در مقابل یک سؤال بزرگ قرار می دهد «چه سودی دارد خدا را به گناهان این مردم، به بیشتر از آنچه خود داری ملاقات کنی»

و می کوشد از این راه نیز در وجدان وی تأثیر گذارد و او را به

خوداندیشی وا دارد.

ص: ۹۷

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَخْلَفُ بِاللَّهِ لَتُنَصِّفَنِي مِنْ حَقِّي أَوْ لَأُخَذَنَّ

سَيْفِي ثُمَّ لَأَقُومَنَّ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ

لَأَدْعُونَ بِحَلْفِ الْفُضُولِ. (۱)

ولید بن عتبه - حاکم مدینه - می خواست حق امام را ندهد.

امام بعد از نزاع با او، فرمود:

به خدا قسم! یا حقم را به انصاف می دهی یا شمشیرم

را برمی دارم و در مسجد رسول خدا می ایستم و مردم را

به «حلف الفضول» فرا می خوانم.

در پی این سخن و اعلام آمادگی تعدادی از بزرگان برای

ص: ۹۸

۱- نزاع آنان پیرامون مالی بود که در «ذی مروه» داشتند. ولید به دلیل احساس قدرت نمی خواست حق امام را بدهد. سیره ابن

هشام، ج ۱، ص ۱۴۲.

همراهی با امام، حاکم حق امام را داد.

بر ساحل حدیث

یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مرحله زبانی

است که خود اقسامی دارد و تهدید کردن از جمله آنهاست. «در این جا که موضوع پیرامون حق شخصی است و مسئله طرفینی است، حضرت از این شیوه استفاده می کند.

نکته مهم جدیت در تهدید و عملی بودن آن است به

گونه ای که در این واقعه عده ای به طرف امام جلب می شوند و با وی در یک جبهه قرار می گیرند.

موضوع دیگر در مورد تهدید، استفاده از اموری است که

توان و استعداد گردآوری امکانات و عملیاتی شدن را داشته

باشد، لذا امام برای احقاق حق از مسئله سابقه دار و اصیلی که نزد عرب گرامی بود و در مورد عمل به آن مرزی نمی شناختند، استفاده می کند؛ پیمانی که بر اساس آن اعراب در برابر ظلم و ستم، به پا می خواستند و حق مظلوم را می گرفتند.

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَنْ سَمِعَ وَاعْتَنَّا أَوْ رَأَى سِوَادَنَا فَلَمْ يُجِبْنَا وَ لَمْ

يُعْتِنَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُكَبِّهُ عَلَيَّ

مِنْخَرِيهِ فِي النَّارِ. (۱)

هر کسی دادخواهی ما را بشنود یا سیاهی

(خیمه های) ما را ببیند و پاسخ نگوید و به داد ما نرسد،

خدا را می سزد که او را به رو در آتش افکند.

بر ساحل حدیث

۱ - همانگونه که آمران و ناهیان موظف به امر و نهی و

تحمل هزینه هایش هستند، مسلمانان نیز در مقابل این افراد

ص: ۱۰۰

وظایفی دارند که همراهی، حمایت و نجات آمران و ناهیان،

تداوم راه آنان، احیای ارزشهایی که به خاطر آن قیام کردند و... از آن جمله است.

۳- در این حدیث امام مسلمانان را به یاری آمران به معروف و ناهیان از منکر فرا می خواند؛ این فراخوان بر اساس وظیفه ای است که مردم بر عهده دارند. (۱)

۴- در برابر یاری خواستن امام، هرچند برخی به او می پیوندند؛

اما عده زیادی از عمل به وظیفه خود سرباز می زنند.

۵- گروهی که از وظیفه الهی شانه خالی کند سزایی جز آتش نخواهد داشت.

ص: ۱۰۱

۱- نمونه ای را میتوان در فراخوان عبدالله بن حرّ جعفی مشاهده کرد «ای پسر حرّ، بدان که خداوند در برابر گناهان گذشته ات از توبازخواست میکند. اکنون تورا به توبه ای می خوانم که همه گناهانت را بشوید تورا فرامیخوانم که ماخاندان پیامبر را یاری کنی اگر حق مارادادند. خدا را سپاس میگوییم و می پذیریم و اگر ندادند و ظالمانه بر ما چیره شدند. در حق خواهی ما. از یارانم بوده ای «الفتوح ج ۵، ص ۸۳، کنزالدقائق، ج ۶، ص ۶۹ نمونه دیگر «میخواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم...» هر کس دعوت مرا از آن رو که حق است پذیرفت، خدا به حق نزدیک تر است و هر کس نپذیرفت صبر می کنم تا خدا میان من و این مردم به حق داوری کند» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، مناقب ابن آشوب، ج ۴، ص ۸۹).

۶- امام به دلیل عظمت روحی و رأفتی که نسبت به مردم

دارد، از آنان می خواهد، اگر به هر دلیل نمی خواهند او را یاری کنند، از صحنه دور شوند و قبل از شنیدن فریادخواهی آن منطقه را ترک کنند.

۳۴. همراهی آمران و ناهیان

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا عَمَاءَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَادِرٌ أَنْ يُعَيِّرَ مَا قَد تَرَى

وَاللَّهِ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ وَقَدْ مَنَعَكَ الْقَوْمُ دُنْيَاهُمْ وَ

مَنَعْتَهُمْ دِينَكَ فَمَا أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ وَأَخْوَجَهُمْ

إِلَى مَا مَنَعْتَهُمْ فَاسْأَلِ اللَّهَ - الصَّبْرَ وَالنَّصْرَ ... (۱)

ابوذر به خاطر نهی عثمان از منکر به ریزه تبعید شد. به

دستور عثمان نباید کسی به بدرقه اش می رفت. اما حضرت

ص: ۱۰۲

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۱۲.

علی علیه السلام، عقیل، حسن و حسین علیهما السلام و عمار او را بدرقه کردند و هر یک با او سخن گفتند. امام حسین علیه السلام فرمود:

عمو جان! خداوند می تواند این گرفتاریها را که می بینی

دگرگون سازد. خدا هر روز در کاری است. این مردم تو را

از دنیای خود محروم نمودند و تو آنان را از دین خود

محروم کردی و تو از آنچه محرومت کردند چه بی نیازی

و آنان چقدر به آنچه محرومشان کردی، نیاز دارند. از

خدا بردباری و یاری بخواه و از آزمندی و بی تابی به او

پناه بر...

بر ساحل حدیث

آمر و ناهی هنگام امر و نهی قدرتمندان، به طور طبیعی در

معرض خطر قرار دارد. از این رو مسلمانان وظیفه دارند، با

همراهی و اعلام همگامی خود، این گروه را در تداوم مسیری که برگزیده اند، پایدار سازند.

ص: ۱۰۳

۳۵. اعتراض به قتل آمران و ناهیان

قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَوْ لَسْتُ قَاتِلِ حُجْرٍ وَأَصْحَابِهِ الْعَابِدِينَ

الْمُحِبِّينَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَفِظُونَ الْبِدْعَ وَ

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَكَتَلْتَهُمْ

ظُلْمًا وَعَدْوَانًا... وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ مِنْ

جِهَادِكَ. (۱)

امام در نامه ای اعتراض آمیز به معاویه نوشت:

مگر تو قاتل حجر و اصحابش نیستی؟ همان کسانی که

پروردگار را عبادت می کردند و در مقابل او خاضع و

خاشع بودند، آنان که از بدعتها نفرت داشتند؛ کسانی که

امر به معروف و نهی از منکر می کردند و تو آنان را

ظالمانه و کینه توزانه به قتل رساندی ... به خدا قسم

ص: ۱۰۴

۱- الغدير، ج ۱۰، ص ۱۶۰، به نوعی دیگر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۲.

چیزی برتر از جهاد با تو نمی شناسم.

۳۶. جایگاه مصلحت در ترک دو اصل

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

كُنَّا... أَحَقَّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ فَاسْتَأْثَرَ

عَلَيْنَا قَوْمُنَا بِذَلِكَ فَرَضِينَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَ

أَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقُّ

الْمُسْتَحَقُّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ. (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

ما... سزاوارترین مردم به جانشینی او (پیامبر) بودیم،

دیگران بر ما سبقت گرفتند و ما تسلیم شدیم. ما تفرقه را

نخواستیم و به عافیت پاسخ گفتیم، این در حالی بود که

ص: ۱۰۵

می دانستیم بر حق ولایت از متولیان آن سزاوراتریم.

بر ساحل حدیث

عواملی که به ترک نهی از منکر یا امر به معروف می انجامد.

در یک تقسیم کلی، به دو نوع منفی (مانند: ترس، طمع و...) و مثبت یا مصلحت جویانه (مانند: حفظ وحدت اجتماع

مسلمانان و...) تقسیم می شوند. در این حدیث به نوع دوم استناد شده است.

نمونه دیگر از این روش را می خوانیم:

بعد از آنکه معاویه برای یزید بیعت گرفت، مردم به امام نامه

نوشته تقاضای شورش می کردند یک بار نیز جماعتی سراغ محمد حنفیه رفتند او نپذیرفت و ماجرا را به امام شرح داد، حضرت فرمود:

این مردم می خواهند ما را وسیله بهره کشی قرار دهند و به سبب ما بر مردم فخر فروشند و خون مردم و ما را بریزند. (۱)

ص: ۱۰۶

كَتَبَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«فَالصِّقُوا بِالْأَرْضِ وَ أَخْفُوا الشَّخْصَ وَ اكْتُمُوا

الْهَوَى وَ اخْتَرِسُوا مِنَ الْأَطْءِ مَا دَامَ إِنْ هِنْدِ حَيَا

فَإِنْ يَحْدُثَ بِهِ حَدَثٌ وَ أَنَا حَيٌّ يَأْتِكُمْ رَأْيِي إِنْ شَاءَ

اللَّهُ؛ (۱)

بعد از شهادت امام حسن علیه السلام شیعیان ضمن عرض تسلیت،

در نامه های خود تمایل به جنگ با معاویه را ابراز می کردند.

امام چنین جواب داد:

حرکتی نکنید و آشکار نشوید و خواسته خود را پنهان

دارید و تا فرزند هند (معاویه) زنده است، از اقدام نابجا

بپرهیزید. اگر او مرد و من زنده بودم، نظرم به شما

خواهد رسید. ان شاء الله.»

ص: ۱۰۸

كَتَبَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

فَلَا تُخَوِّضُوا فِي الْقُرْآنِ وَلَا تُجَادِلُوا فِيهِ وَلَا

تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» وَ«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ

فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ اللَّهُ أَحَدُ اللَّهِ الصَّمَدُ ثُمَّ فَسَّرَهُ

فَقَالَ وَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۱)

اهل بصره (که بدون داشتن آگاهی لازم به تفسیر قرآن

می پرداختند)، نامه ای به امام نوشتند و از او در مورد «صمد»

توضیح خواستند. حضرت نوشت:

ص: ۱۰۹

در قرآن گفتگو و مجادله نکنید و بدون آگاهی در آن

سخن نگوئید. از جدم رسول خدا شنیدم که فرمود: «هر

کس بدون علم در قرآن سخن بگوید، جایگاهش را در آتش

آماده کند.» خدای سبحان خود تفسیر «صمد» را فرمود؛

«نه زاییده است و نه زاده شده و نه کسی همتای اوست.»

بر ساحل حدیث

۱ - هر چند اهل بصره از معنای یک واژه قرآنی سؤال کرده

بودند، ولی امام با نگرش عمیق به این موضوع و کاویدن آنچه موجب بروز سئوالات و مناقشات شده است، در نامه خود ابتدا آنان را از منکراتی که موجب چنین مسایلی شده، نهی می کند و آن گاه به پاسخ سؤال آنان می پردازد.

۲ - حضرت از ظرفیتهایی که برای امر و نهی ایجاد می شود،

سود می برد. لذا با استفاده از فرصتی که پیش آمده (در این مسئله به او رجوع کرده اند)، آنان را نهی می کند.

۳ - نکته دیگر اینکه، جامعه مذکور که به مجادله در قرآن

پرداخته اند، عملاً مرجعیت امام را نمی پذیرند، لذا حضرت برای

تأثیرگذاری بیشتر نهی خود از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استفاده می کند که مورد پذیرش عمومی است و مردم در مورد پذیرش آن کمتر مقاومت نشان می دهند.

۴- امام در مقابل رویگردانی آنان از وی «به عنوان مرجع

مطلق دینی» بعد از پیامبر و ائمه قبلی، نه تنها آنان را از خودنمی راند، بلکه با زبان بی زبانی و نهی از مجادله و سخن گفتن بدون آگاهی، آنها را به مرجع مذکور فرا می خواند، دلیل صراحتی هم که در این مورد به کار نمی برد، همان رویگردانی عملی و احتمال زیاد مقاومت در برابر دعوت به رجوع به امام است.

ص: ۱۱۱

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَلَا تَقْتُلُونِ فَإِنَّهُ لَا يَجِلُّ لَكُمْ
قَتْلِي وَلَا إِنْتِهَاكُ حُرْمَتِي فَإِنِّي ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ
مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ بَلَغَكُمْ قَوْلَ نَبِيِّكُمْ «الْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (۱)

امام حسین علیه السلام فرمود:

از خدا بترسید و دست به خون من نیالایید که کشتن

من و هتک حرمتم بر شما روانیست من فرزند دختر

پیامبر شمایم. فرموده پیامبرتان را شنیده اید که «حسن

و حسین دو آقای جوانان بهشت اند.»

ص: ۱۱۲

۱- مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۲، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰۰، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵، بخشی از خطبه.

بر ساحل حدیث

امر به معروف و نهی از منکر تکلیف است و انجام آن در هر

شرایطی که امکان اجرا باشد، لازم است. از این رو امام با تمام مشکلات، وظیفه خود را در صحنه کارزار نیز فراموش نمی کند و می کوشد عصیانگران را به راه نور رهنمون شود.

شیوه ای که حضرت به کار می برد، استدلال بر پایه حقایق

تاریخی و عینی است که آنان نیز پذیرفته اند. لذا حضرت

موضوع نسبت خود با پیامبر و سخن حضرت در مورد او و امام حسن را یادآور می شود؛ یعنی امام از استدلالهایی که برای فرد مقابل آشنا و پذیرفتنی است سود می برد.

ص: ۱۱۳

اشاره

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَنْزَلَ أَيُّهَا الْكَذَّابُ عَنْ مِثْبَرِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ لَا

مِثْبَرِ أَبِيكَ (۱)

حسین علیه السلام در سنین کودکی عمر را دید که بر منبر رسول خدا تکیه زده است. و می گوید که پیامبر از خود مؤمنان به آنان سزاوارتر است حسین علیه السلام به او فرمود:

ای دروغگو از منبر پدرم رسول خدا پایین بیا که منبر

پدر تو نیست.

بر ساحل حدیث

فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، باید چنان فراگیر شود

که فرزندان و نوجوانان نیز در جامعه اسلامی بر پایه آن رشد کنند. این حدیث گویای نهادینه شدن چنین فرهنگی در اهل بیت: است به گونه ای که حسین (علیه السلام) با آنکه کودک یا نوجوانی

ص: ۱۱۴

۱- احتجاج ، ج ۱، ص ۲۹۲، نمونه دیگر مربوط به اعتراض به ابوبکر است (مستدرک الوسائل ، ج ۱۵، ص ۱۶۵، ح ۳).

است، زبان به امر و نهی می گشاید و خلیفه وقت را به ترک دروغگویی و پایین آمدن از منصب غضبی امر می کند.

ص: ۱۱۵

فهرست منابع

- ۱ - قانون اساسی
- ۲ - صحیفه نور
- ۳ - حماسه حسینی
- ۴ - قرآن کریم.
- ۵ - بحار الانوار، علامه مجلسی
- ۶ - اعلام الدین
- ۷ - مهج الدعوات
- ۸ - کنز العمال
- ۹ - امالی طوسی.
- ۱۰ - تحف العقول.
- ۱۱ - مقتل الحسين خوارزمی.
- ۱۲ - العوالم.
- ۱۳ - الکامل فی التاريخ.
- ۱۴ - وقعه الطف.
- ۱۵ - مثير الاحزان.
- ۱۶ - الفتوح.
- ۱۷ - دعائم الاسلام.

١٨ - تفسير برهان.

١٩ - مستدرک الوسائل.

٢٠ - احتجاج، طبرسی

٢١ - مناقب ابن شهر آشوب.

٢٢ - سيره ابن هشام

٢٣ - تاريخ ابن عساکر.

٢٤ - الامامه و السياسه، ابن

قتيبه الدينورى

٢٥ - الغدير.

٢٦ - ديوان امام حسين (عليه السلام)

٢٧ - اصول كافى.

٢٨ - احقاق الحق.

٢٩ - زاد المعاد.

٣٠ - كنز الدقائق.

٣١ - ادب الحسين و حماسته.

٣٢ - امر به معروف و نهى از

منكر، آيت ... حسين نورى

٣٣ - تاريخ طبرى

٣٤ - البدايه و النهايه

٣٥ - نزّه الناظر و تنبيه

الخاطر

٣٦ - موسوعه كلمات

امام حسين عليه السلام (١)

ص: ١١٦

١- منبع اصلى اين كتاب موسوعه كلمات امام حسين (عليه السلام) است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

